

سپهد بدره ای و بختیار

در ردیف اسناد مبارزه

امیرفیض- حقوقدان

در جریان تحقیق در موضوعی بودم که به سندی در اسناد سفارت آمریکا مواجه شدم که با آنکه سالهاست در آن اسناد جستجو دارم آنرا تاکنون ندیده بودم. از آنجا که برایم بیسابقه بود بر آن شدم تا به اشتراک گذاشته شود که واجد دستاوردهای قابل توجهی است؛ و بویژه که سرنخ مهمی به طرح هنری پرشت دارد.

مشخصات سند مزبور در اسناد سفارت آمریکا

((راجع به بختیار))

شماره سند ۱۸۷ بیست و یکم می ۱۹۷۹ برابر ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

از دفتر وابسته دفاعی آمریکا در تهران به سازمان اطلاعات دفاعی و اشنگتن دی سی

موضوع گزارش وضع ایران

قصد اعلام حکومت جمهوری از جانب بختیار- روزنامه کیهان در شماره امروز خود مینویسد که شاپور بختیار نخست وزیر سابق قصد داشت پس از عزیمت شاه در ایران حکومت جمهوری اعلام کند و خود را بعنوان اولین رئیس جمهور معرفی نماید؛ در کیهان آمده است که این اطلاعات از شخص مهمی بدست آمده است.

تیمسار بدره ای سخت با اعلام جمهوری بختیار مخالفت کرد؛ گفته میشود تیمسار بدره ای از زمانی که ستوان یک بوده در جمع درباریان حضور داشته، هنگامیکه بختیار نقشه اش را با چند تن از افسران ستاد بزرگ در میان میگذارد بلافاصله با اعتراض بدره ای مواجه میشود. بدره ای اسلحه اش را بیرون کشید و به بختیار حمله کرد و میخواست بختیار را بکشد ولی افسران مانع شدند.

در ماه فوریه منابع گزارش دادند که در شب ۱۰ و ۱۱ فوریه موقعی که فرمانده ارتش در مقابل اقدامات به عمل آمده به منظور انتقال قدرت به خمینی مقاومت کرد باز بین بختیار و بدره ای مشاجره در گرفت اما منابع گزارش نکرده اند که مشاجره به کجا کشید، آنها گفتند **بدره ای کلتش را روی میز گذاشت و گفت:**

«باهر کسی قصد مخالفت با قانون اساسی ما را داشته باشد مبارزه خواهد کرد»

اما پس از بحث طولانی بختیار متقاعد شد که با طرح همراهی کند.))

توضیح = طرح مورد اشاره طرح مشترک بدره ای و فرمانده هوانیروز سرلشکر خسرو داد و ربیعی برای حمله به طرفداران خمینی بوده است - مفصل در اسناد سفارت آمریکا

دستآورد این سند

← این سند تائید میکند که بختیار قصد داشت با ایادی خمینی سازش کرده و موجبات انتقال قدرت را به شورشیان فراهم سازد.

← همچنین گزارشات سفارت آمریکا را دائر به اینکه بختیار منتظر فرصتی است تا علیه شاه اقدام

← مقالات سنگر دائر بر اینکه بختیار قائل به متمم قانون اساسی نبود و فقط قانون اساسی سال ۱۹۰۶ که اشاره ای به مقام سلطنت ندارد را قبول داشت تائید میکند.

← نظریه اینکه بنا بر اظهارات ژنرال هایزر ماموریت او انتقال وفاداری ارتش به بختیار بوده است و...

← نظریه اینکه سپهبد بدره ای فرمانده نیروی زمینی از وفاداران به شاه و تداوم قانون اساسی مشروطه بوده است و همانطور که گزارش سفارت حاکی است تنها قدرت نظامی مقابل بختیار برای تشکیل جمهوری و سازش با خمینی سپهبد بدره ای بوده است.

← و نظریه اینکه ژنرال هایز با اطلاع از جریان آن جلسات از پایداری و مقاومت سپهبد بدره ای باید راهی برای رفع این مقاومت و مزاحمت فراهم آورد،

بنا بر این ترور سپهبد بدره ای و همزمانی آن با مخالفت بدره ای با بختیار و ماموریت هایزر میتواند واجد این دستآورد باشد که ترور بدره ای در جهت موفقیت بختیار از سوی همان ژنرال هایزر فرستاده دولت کارتر بوده است و شایعه اینکه بدره ای بوسیله چریکهای فدائی خلق ترور شده نادرست است و اظهار نظر به اینکه بدره ای هنگام خروج از دفترش بوسیله ۱۰ تیرمجرع و به بیمارستان منتقل و در راه فوت کرد بواقع نزدیک تراست و از آنجا که تاکنون قائل سپهبد معلوم نشده که کی بوده و از کجا ماموریت داشته میتوان این نظریه را نزدیک به حقیقت یافت که همانطور که برخی خبرها حکایت دارد؛ سپهبد بدره ای بوسیله افسران آمریکائی مامور خدمت در رگاب هایزر ترور شده است، و عدم شناخت قاتل و یا ارتباط آن با گروه های مخالف خود دلیلی است که ترور از ناحیه دولت حامی شورشیان بوده که تاکنون کاملاً سکرت و مسکوت مانده است.

ارتباط ترور سپهبد بدره ای با طرح هنری پرشت

در اظهارات سپهبد بدره ای دیدید که پایگاه اعتقادی او حفظ تداوم قانون اساسی بوده است؛ عبارت بکار گرفته از او دوباره به اینجا آورده میشود که کلید ارتباط قتل سپهبد با طرح هنری پرشت است:

من با هر کسی که قصد مخالفت با قانون اساسی ما را داشته باشد

مبارزه خواهیم کرد

← سپهبد بدره ای با ادای همین یک جمله آنهم بهنگام درگیری لفظی با بختیار نمیتوانسته از سوی گارد هایزر ترور شود مگر اینکه سیاست مقاومت در مقابل طرفداران تداوم سلطنت و قانون اساسی

وسرکوب آنها جزء ماموریت و دستورالعملی بوده که از سوی کارتر به هایزر ابلاغ شده است و در راستای توفیق در ماموریت هایزر بوده که او فردای روزی که سپهبد بدره ای مسئله مقاومت در مقابل قانون اساسی را مطرح و سلاح کمری خود را هم بعنوان ضامن قول و قرار روی میز میگذارد تصمیم به ترور سپهبد بدره ای را میگیرد.

انتقال وفاداری ارتشیان به بختیار که در اسامی ماموریت هایزر قرار داشته (اظهارات خود هایزر)، چیزی جز رد شدن و از اعتبار ساقط شدن قانون اساسی نبوده است؛ بنابراین اولین علامت بی اعتباری قانون اساسی و تمرکز سیاست آمریکا بر عدم تداوم و اعتبار قانون اساسی با ترور بدره ای تکوین یافت

سیاست مخالفت با تداوم قانون اساسی در ماهیت همان مخالفت با انتقال سلطنت به ولیعهد و عبارت «عدم تحمل فعالیت های جانبداری از قانون اساسی» که در طرح هنری پرشت آمده، پیاده شدن عمل ترور سپهبد بدره ای است که خواهان ادامه تداوم سلطنت بوده است، و در کلامی ساده جریان مخالفت با سپهبد بدره ای و ترور او در رابطه با تصمیم اجرائی دولت کارتر بوده است.

دست آورد

بنابر اظهار نظر الکساندر هیگ فرمانده هایزر، او از ماموریت هایزر هیچ اطلاعی نداشته و کارتر مستقیماً هایزر را مامور ایران و انتقال قدرت به بختیار نموده بود. بنابراین دستور مقاومت هایزر در مقابل هر حمایتی از جانب اشخاص از قانون اساسی باید جزء ماموریت هایزر بوده باشد، که بدره ای اولین هدف این دستور قرار میگیرد و بعد از انجام ماموریت مزبور ترور سپهبد بدره ای وزارت خارجه آمریکا وارد موضوع و دستور کلی کارتر شده و طرح هنری پرشت رابه اعتبار دستور اجرائی کارتر تهیه و تصویب و بشرحی که آگاهید در مکزیک با رابطه آقای هوشنگ نهاوندی به اطلاع شاهنشاه میرسانند، و از آن پس با وجود اتیان سوگند پادشاهی در موقع مقرر قانون اساسی بوسیله ولیعهد طرح هنری پرشت مانع فعالیت سیاسی اعلیحضرت در شاهراه قانون اساسی و متمم آن میگردد و این محرومیت و تحریم تحمیلی بر اساس مندرجات طرح مزبور نسبت به تمام اعضای خانواده سلطنتی ایران و حتی مبارزه سلطنت طلبان تا کنون تسری داشته است.



یاد آوری:

آقای هوشنگ نهاوندی که طلبعه و خیال رسیدن به نخست وزیری را در سر میپروراند در کتاب خود نوشته است:

- ((از سوی دیگر، واشنگتن، لندن و پاریس، همه کوشش های خود را بر بیرون راندن شاه متمرکز کرده بودند. به ویژه انگلستان، «بختیار» را به عنوان مردی قابل اعتماد می دید. همچنین سفر های پیاپی «میشل پونیاتوفسکی» به ایران و پشتیبانی که بعداً در فرانسه از او شد، نمودار آن بود که این مرد دو ملیتی از سوی پاریس نیز پشتیبانی می شد. در واقع، از همان زمان پایتخت های غربی تصمیم خود را گرفته بودند؛ همه، آشکارا رفتن شاه را می خواستند و بر روی کار آمدن «خمینی» شرط بندی کرده بودند. همه چیز چه مرور رویداد ها، و چه نوشته ها، نشان از آن می دهند که در چشم غربی ها، «بختیار» فردی بی اهمیت بود، و زمام داری او معنای دیگری

جز مرحله انتقالی نداشت. آنان دنبال کسی می گشتند که به وسیله او کلید ها را به «خمینی» و بنیادگرایان بسپارند. چهار سال پیش از آن، هنگامی که بر آن شده بودند که ویتنام جنوبی را به کمونیست ها واگذارند، این ماموریت اندوه انگیز به ژنرال «مین» سپرده شده بود. «بختیار» هم همان نقش را بازی می کرد. ((

ح-ک